

دوران وحشتناکی که بعد از پایان نفت به وجود خواهد آمد، نتیجه مستقیم فساد امروز و تبدیل جهان به دو قطب استعمارگر و استعمار شونده است.

## ● خطر بزرگی که استعمارگر و استعمار زده را یکسان فرامی گیرد

متفکران به خصوص اقتصاد دانان غرب برای رهایی دادن جامعه سرمایه داری، از بحرانی که خشونت، فحش، و محیط زیست آلوده، عناصر تشکیل دهنده آنست به تلاشی تازه برخاسته اند و تمام دول مترقی، تقریباً به این نتیجه کلی رسیده اند که علت اللعالت تشنجات امروز، رابطه استعماری آنها با ملل عقب افتاده است و تاز روزی که این رابطه، تغییر نکند اوضاع بر همین منوال که هست، خواهد بود.

درین چاره جوئی، اروپا به سابقه طولانی استعمارگری، پیش گام شده، زیرا پدیده استعمار را دقیق تر تجربه کرده است - از نظر شیخناخت روندهای استعماری که همیشه آغازی شکوفا و پایان بی پیرانی و انقلابی دارد، مدت ها است اروپا را از حرکت سریع و اتخاذ تصمیم های قاطع باز داشته چون می داند وقتی دوقته در سراسیمگی تند افتاد، هر آن بر سر عشق افزوده می شود تا جایی که دیگر کنترل خود را از دست می دهد، و به سر، در می غلطد، اروپا واقعاً این به سر در غلطیدن را در مستعمرات خود آزموده است و به تجربه دریافته که استعمارگر درست گرفتار همان فساد و انحطاطی می شود که روزی خودش با تزویر استعمار زده را گرفتار کرده است و امروز قتل و آدم ربائی و وحشتها و محیط زیست آلوده در اروپا و آمریکا، گواه زنده و دلیل روشن آنست پس وقتی انسان متفکر به حاصل

این رابطه استعماری آگاهی یافت و دانست که وقتی از این دست می دهد از آن پس می گیرد در وهله اول راه حلی که به نظرش می رسد، این خواهد بود که رابطه کنونی را بر هم زند و رابطه جدیدی جانشین آن کند.

و اما رابطه جدید بر چه مبنای و ماخذی برقرار می گردد؟! خیلی روشن است بر هر مبنای و ماخذی که استعماری نباشد و در آن حاکمیت و حکومت حس نشود و انسان به هر حال بداند همان طور که می دهد، پس می گیرد.

البته این معادله صحیح جنبه ماوراء الطبیعی و آسمانی ندارد، بلکه فقط به علت آنست که وقتی استعمارگر از حق بی حساب و نامعقول بهره به همان میزان خرج بی حساب و نامعقول، همیشه بانساز و هرزگی و تجاوز توأم است، لاجرم نمی تواند عاید می شود باید معقول باشد و فعالیت وقتی معقول است که بر پایه حاکمیت و حکومت نباشد.

یعنی یکی غارت کند و بول بیاورد را در کار فساد آلودی که خواست خرج کند و دیگری غارت شود و از نظر و تنگدستی، جان و ناموس و شرف خود را به معامله گذارد! این نوع فعالیت، همان کثرت به اثبات رسیده که نتیجه اش برای غارت کننده و غارت شونده یکی است منتفی یکی فرو رفته فساد و تباهی و فحش است و دیگری خریدار آن نتیجه چنین سوداگری جز بالا رفتن سطح فساد، حاصل دیگری نخواهد داشت - اینست که اروپا برای نجات خود از این گرداب ناچار شده است با آنها که روزی غارتشان می کرده کنار بیاید.

### اتحاد مثلث :

اولین توصیه در این باره همان طور که در بحث قبل اشاره کردیم از طرف آقای «کلودسه سون» عضو جامعه اروپائی، به اعضای بازار مشترک اروپا شده است و با صراحت اعلام نموده نه تنها راه نجات اروپا سازش معقول با ممالک دنیای سوم و دیگرگون کردن رابطه استعماری با آنهاست، به زبان ساده معامله مستعمراتی را میبل به معامله عادی کردن و نتیجه مشخصی که یادگار آن دوران، و در واقع کاریکاتور صنعت است، به صنعت قابل رقابت تبدیل نمودن، و فقط به این طریق ممکن است اروپا، روی پای خود بایستد و با آمریکا رقابت معقول کند - اما فصد اروپا از رقابت معقول با آمریکا، ایجاد موضوع قدرت در مذاکرات است نه مخاصمه، تا از تجربه دوست ساله خود، اورا آگاه کند و متفقا شرح جدیدی برای اقتصاد آزاد (لیبرالیسم) بریزند و دنیا را از این سرطان سرمایه داری نجات دهند، آنچه اکنون شرکت های چند ملیتی، که اکثریت صاحبان سهام آنها، آمریکائی هستند، انجام می دهند بکل نقض غرض است و اقتصاد آزاد، روز بروز بیشتر به نبود می گراید اینها با یک سیستم انحصاری و بکار بردن یک سلسله تدابیر علمی و روانی در حال آفرینش بلکه جامعه مصرفی جهانی هستند که مصرف کننده در آن، به شکل آدمشماهای کوچک هستند تا به سوی مصرف جدیدی که بخواهند اورا حرکت دهند، پدید می آید است چپاول در این سیستم به مراتب عظیم تر است و به همان نسبت فساد، گسترده تر و با نتیجه زوال،

نزدیکتر ، و این چیزی است که اروپا را به تلاش انداخته است .

\* \* \*

همزمان با پیشنهاد «کلودسه سون» اخیراً آقای «موریس کرفیه» از طرف کلوپ رم مأمور یک سلسله مطالعه درممالک نفت خیز عربی شده و به این نتیجه رسیده است که این ممالک در اوائل قرن آینده که نفتشان تمام می شود و جمعیشان دو برابر می گردد ، بزرگترین خطر برای اروپا هستند چون اکنون اعراب سواحل مدیترانه ، صدها هزار نفر بیکار به اروپا می فرستند و هنگامی که نفت تمام شد و کارهای جنبی آن تعطیل گردید و صنعت قلابی آنها نیز درهم نوردید و جمعیت به دو برابر افزایش یافت معلوم است که چه سيل بنیان کسی به طرف اروپا سرازیر خواهد شد .

امروز جمعیت اعراب ، ۱۳۵ میلیون نفر است و هر پانزده ماه ۳ میلیون نفر ، یعنی به اندازه جمعیت اسرائیل ، بر آنها افزوده می شود و در اوائل قرن ، به ۲۷۰ میلیون نفر می رسد و این بزرگترین خطری است که اروپا را تهدید می کند .

امروز این ممالک بازار مصرفی بزرگی برای غربند ، یک پل هوایی برای حمل گوشت از «کاراکاس» ممالک عربی را به رومانی متصل می کند و انواع و اشیاء لوکس اروپا و آمریکا و ژاپن در این بازار عرضه می گردد و دلارهای نفتی را جذب می کند سرمایه های عظیم این ممالک به این طریق مقداری مصرف می شود و مقداری هم در بانکهای ممالک اروپائی و آمریکائی سپرده می گردد که هم مصرف آنها به این صورت ، فسادگیز است و هم سیردن آنها در بانکهای ممالک غربی موجب تورم و بالاترین سریع قیمت ها می شود ، در حالی که اگر عاقلانه سرمایه گذاری شود زمانی که چاه های نفت ، خشک شده ، دوران هولناک و غم باری در پیش نخواهد داشت .

این ممالک تقریباً همه فاقد آب هستند و زمین های مستعد زراعتی ندارند و بسیاری از صنایع را هم نمی توانند بر پا نمایند ، چون صنعت هم مثل کشاورزی به آب فراوان احتیاج دارد . امروز عربستان سعودی در حال مطالعه و اجرای طرح عظیمی است که با حمل قطعات کوه بیکریخ های قطبی و آب کردن آنها در کارگاه های مخصوص ساحلی آب شیرین و خنک مصرف کند و اگر به تواند قسمتی از زمین های مستعد خود را هم زراعت نماید . مهمترین مسأله حیاتی این ممالک ، نفت نیست ، آب است . تقریباً تمام آنها وضعی مشابه دارند ، حتی مصر با داشتن رودخانه عظیم نیل از آب بی نیاز نیست و پس از احداث سد آوان محیط زیست آن به کلی به هم خورده و بیشتر زمین های زراعتی آن که سابقاً از گل ولای نیل بارور می شد اکنون بایر و بلا استفاده مانده است ، این سد مهمترین فایده اش تأمین برق فائره است فقط در میان ممالک عربی در سودان ایالتی است به نام « زیره » که باران سيل آسای آفریقائی دارد و معتقدند روزی ممکن است انبار غله اعراب گردد که البته حدس پعیدی است .

فقدان آب ، ممالک عربی را چه در زمینه کشاورزی و چه در زمینه صنعت با بن بست

در داستانهای «عنکبوت» و «خروج از تابوت»  
به تفصیل بیان کرده‌ام . . .

. . . مدت‌ها گذشت تا از این خواب‌گران  
بیدار شده و دیدم که با این اندیشه نیز ابداع  
نشده‌ام ! این چه نوع خدائی است که هم  
«آفریدگار» است و هم «عین آفریده» خود ؟  
آیا این در واقع همان «وحدت موجود» نیست ؟ . . .

و این عقیده چگونه می‌تواند انسان سرگشته  
و حیرانی را رهائی بخشد ؟ . . .

به اشتباه خود بی‌بردم و از نو به سوی  
علم رو آوردم تا چنانکه بتواند مرا از این افکار  
رهائی بخشد ! . . .

### پیشینه، ظهور و تحول سرمایه‌داری . . .

روبرو کرده است و برای اینکه از این بن‌بست بیرون آیند عاقلانه آنست که در داخل ته  
در صنعت و نه در کشاورزی، سرمایه‌گذاری گران‌نمایند و سرمایه‌گذاری بیادبی را در هر دو زمینه  
خارج از سرزمین خود بنمایند و برای رسیدن به این مقصود «مورس کریئه» یک اتحاد مثلث  
(ممالک خارجه، اروپا، آفریقا) پیشنهاد می‌کند که ممالک نفت‌خیز با واسطه اروپا در آفریقا  
سرمایه‌گذاری نمایند، چون او معتقد است که اروپا هم آب‌کافی ندارد و نمی‌تواند محلی  
مناسبی برای گسترش صنایع باشد. ولی اروپا می‌تواند تمام ابزار فنی و فرستگ صنعتی  
خود را در اختیار مستدان آسیائی و آفریقائی خود بگذارد و این اتحاد مثلث حتماً باید با  
آمریکا در ارتباط باشد و تولید و مصرف جهانی از صورت بی‌رویه و دیوانه و ارجععی بیرون  
آید و رقابت از حالت جنگ تن به تن که فزاینده‌ای از دو طرف هدف باشد خارج گردد و  
اقتصاد دوباره بهشتوانه دموکراسی قرار گیرد، چون این سرمایه‌داری کور و وحشی که  
اکنون به اوج خود رسیده بازدهی جز قتل و فحشاء و کثافت و جنگ دائمی نداشته و در  
آینده هم نتواند داشت . . .

پروژه سرمایه‌داری و ممالک غربی

شبه صنعت و فاجعه بعد از نفت : در انسانی

پیشنهاداتی که اقتصاد دانان اروپا می‌کنند در واقع تلاش برای رهائی از بن‌بستی  
است که خود آن رابه وجود آورده‌اند و گرنه دلشان برای ممالک نفت خیز عربی نسوخته  
که لردا در صحرای برهوت با ۲۷ میلیون نفر جمعیت چه خواهند کرد، آنها به این جمعیت  
عاصی که خواه ناخواه از فرط گرسنگی و تشنگی و فقر راهی اروپا خواهند شد نمی‌اندیشند و  
می‌دانند که اگر فکر عاقلانه‌ای نکنند همه چیز آنها را در هم خواهند نوردید، متأسفانه  
این خطر، ما را هم که جوار آنها هستیم تهدید می‌کند منتهی ما خود نیز مشکلاتی داریم  
که قبلاً باید به آنها بیاندیشیم .

( نقل از مجله نگین )